

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۱۲، مضامین انجیل و مقدمه ای بر اعمال رسولان

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دوره تاریخ و ادبیات عهد جدید دکتر دیو متیوسون است، سخنرانی ۱۲، خلاصه ای از مضامین انجیل و مقدمه ای بر اعمال رسولان.

اکنون، مطالب مربوط به اعمال رسولان در امتحان اول گنجانده نشده است. مدتی بعد در امتحان دوم ظاهر می شود. بنابراین، مطالبی که می خواهم در مورد انجیل ها صحبت کنم، در نتیجه گیری انجیل های امروز، بازی منصفانه ای برای امتحان است، اما مطالب اعمال رسولان اینطور نیست.

اما ایده خوبی است که اگر انجیل ها را به اندازه کافی زود به پایان برسانیم، حداقل می توانیم اعمال رسولان را شروع کنیم. سپس قصد دارم حدود یک چهارم توقف کنم، ده تا، شاید حتی کمی، بله، در آنجا و بقیه زمان را به یک جلسه بررسی اختصاص دهم. من در مورد اینکه چگونه خواهد بود صحبت خواهم کرد.

من قصد دارم بیشتر در مورد امتحان صحبت کنم. من به شما می گویم که چگونه خواهد بود و چگونه برای آن مطالعه کنید. و من آن را برای سؤالات باز خواهم کرد.

بنابراین، طول جلسه بررسی به شما بستگی دارد. اگر می خواهید بیرون بروید و از آب و هوا لذت ببرید، همه می توانند ساکت باشند و من می دانم که شما نمی خواهید در مورد امتحان صحبت کنید و ترجیح می دهید بیرون بروید و ما می توانیم زودتر تمام کنیم. اما من می خواهم زمانی را برای شما در اختیار شما قرار دهم تا هر سوالی پرسید، تا آنجا که می دانید، در مورد چه چیزی صحبت کردیم یا در امتحان چه انتظاری داشته باشید، یا اگر در یادداشت های خود شکاف دارید یا چیزی که متوجه نشده اید یا می خواهید در مورد آن پرسید، به شما فرصتی می دهم تا این کار را انجام دهید.

بنابراین این 20 دقیقه آخر کلاس خواهد بود. و دوباره، من عمدتاً می خواهم آن را به سؤالات باز کنم، بنابراین این به نوعی به شما بستگی دارد که چقدر طول می کشیم. بنابراین این به نوعی چیزی است که برای امروز در دسترس است.

بنابراین، بیایید با دعا شروع کنیم و سپس می خواهم بحث خود را در مورد انجیل ها به پایان برسانم و دوباره، فقط در مورد کتاب اعمال رسولان شروع کنیم. بسیار خوب.

پدر، ممنون برای روز زیبا و هوای گرمتر. و من دعا می کنم که ما فرصت هایی برای بیرون رفتن و لذت بردن از آن در حالی که اینجا است پیدا کنیم. ای پدر، اکنون دعا می کنم که تو به ما کمک کنی تا فقط روی بخش بسیار کوچکی از عهد جدید و مکاشفه کلی تو به ما در عهد جدید عتیق تمرکز کنیم. من دعا می کنم که ما به چالش کشیده شویم و تشویق شویم تا انجیل ها را در نوری جدید بخوانیم و پرسپکتیو و پرتوهای مختلفی را که آنها از عیسی ترسیم می کنند و معنای شناخت او و پاسخ دادن به اطاعت از او را درک کنیم. به نام عیسی، ما دعا می کنیم. آمین. بسیار خوب.

ما به انجیل ها در درجه اول از نقطه نظر نگاه کرده ایم نه فقط برای درک محتوای آنها. امیدوارم که از طریق خواندن خود متوجه شده باشید. اما من سعی کردم بر آنچه به نظر می رسد تأکید متمایز هر یک از انجیل ها باشد، تأکید کنم.

من فرض می‌کنم که وجود دارد زیرا همانطور که فقط در یک لحظه خواهیم دید، کلیسا به چهار انجیل اجازه داده است که به جای یک انجیل در عهد جدید قرار بگیرند یا به جای اینکه همه آنها را با هم در یک انجیل بزرگ یا زندگی مسیح ترکیب کند، کلیسا اجازه داده است که چهار انجیل در کتاب مقدس متعارف قرار بگیرند. بنابراین کاری که من سعی کردم انجام دهم این است که در حالی که ما در انجیل‌ها حرکت می‌کنیم، به سادگی سعی کردم به شما طعم منحصر به فرد هر یک از انجیل‌ها را بچشم. آنها چه چیزی دارند که دیگران ندارند؟ یا شاید تا حدی که دیگران این کار را نمی‌کنند بر چه چیزی تأکید می‌کنند؟ یا حداقل آنچه به نظر می‌رسد مضامین اصلی و تأکیدات اصلی هر یک از انجیل‌ها در مقایسه با انجیل‌های دیگر باشد تا تصویری از راه متمایز هر یک از نویسندگان انجیل به دست آورید، و من به شیوه‌ای تحسین آمیز بحث می‌کنم، نه متناقض، بلکه به شیوه‌ای تحسین برانگیز، دیدگاه منحصر به فردی که هر یک از نویسندگان در مورد شخص عیسی مسیح منتقل می‌کنند چیست؟

حالا، وقتی در کالج بودم، اولین کلاس انجیلی که داشتم کلاسی به نام زندگی مسیح بود، و در واقع در دانشگاه‌ها و کالج، به ویژه کالج‌های کتاب مقدس و کالج‌های لیبرال مسیحی، بسیار سنتی بوده است که دوره‌ای در مورد زندگی مسیح داشته باشیم، جایی که اساسا کاری که شما انجام می‌دهید این است که از هر چهار انجیل استفاده کنید، شما آنها را در یک توصیف نسبتا منسجم از اینکه مسیح چه کسی بود و چه کاری انجام داده است، کنار هم قرار می‌دهید، و معمولا منجر به یک جدول زمانی خاص می‌شود که در آن اتفاقات رخ می‌دهد، و در نهایت به یک روایت یا تصویر بزرگ از اینکه عیسی چه کسی بود و چه کاری انجام داد و چه تعلیم داد، می‌رسید. و این خوب است و این تا حدی ضروری است تا بتوانیم انجیل‌ها را هماهنگ کنیم، تا تصویری از مسیح ارائه دهیم، اما دوباره، اگر بخواهیم از عهد جدید پیروی کنیم، جالب است که، همانطور که گفتم، عهد جدید این کار را نکرد. عهد جدید چهار گزارش جداگانه از زندگی مسیح را برای ما به جا گذاشت.

بنابراین، یکی از خطرات کنار هم قرار دادن آنها در یک زندگی بزرگ مسیح، یا کلاسی در مورد زندگی مسیح یا آموزش مسیح، به همان اندازه که مفید و ضروری است، یکی از خطرات این است که ممکن است خطر کند کردن صداهای منحصر به فرد چهار انجیل را داشته باشیم. و بنابراین شاید قبل از اینکه همه انجیل‌ها را در یک زندگی بزرگ مسیح یا آموزش مسیح گرد هم آوریم، لازم است که درک کنیم که صدای منحصر به فرد یا دیدگاه منحصر به فردی که هر یک از انجیل‌ها ارائه می‌دهند، چیست. و این کاری است که ما سعی کرده ایم در این کلاس انجام دهیم، به جای اینکه فقط زندگی مسیح را به شما بدهیم، تمرکز بر موضوعات و دیدگاه‌های منحصر به فرد چهار انجیل است.

دوباره، در تاریخ کلیسا، در قرن دوم فردی به نام تاتیان وجود داشت، و ما قبلا در این مورد صحبت کرده ایم. تاتیان تلاش کرد اثری به نام Diatessaron بنویسد. باز هم، شما نیازی به دانستن آن برای یک آزمایش یا هر چیز دیگری ندارید، یا اینکه Diatessaron چه بود.

Diatessaron به سادگی نام این کتابی بود که او نوشت و تلاشی برای ترکیب هر چهار انجیل در یک انجیل بود. و او با انجیل یوحنا شروع کرد، که همانطور که گفتیم به نوعی جالب است. حتی برخی از محققانی که فکر می‌کنند متی، مرقس و لوقا نسبتا قابل اعتماد هستند، یوحنا را زیر سوال می‌برند، زیرا، همانطور که گفتیم، یکی از راه‌هایی که یوحنا به عنوان یکی از الهیاتی‌ترین و به نوعی یکی از معنوی‌ترین انجیل‌ها توصیف شده است.

بنابراین، امروزه بسیاری از محققان برای اطلاعات تاریخی در مورد عیسی به یوحنا تکیه نمی‌کنند. آنها فکر می‌کنند که این بیشتر الهیاتی است و آموزه‌های کلیسا و غیره را منعکس می‌کند. اما تاتیان با یوحنا شروع کرد و هر چهار انجیل را در یک روایت بزرگ از زندگی مسیح بافته است.

اما جالب اینجاست که هرگز مورد توجه قرار نگرفت. کلیسا هرگز آن را پذیرفت، و نه رویکرد تاتیان. دوباره، در عوض، آنها اجازه دادند که چهار انجیل پابرجا بمانند، و کمک های متمایز و منحصر به فرد آنها به درک کامل و پیچیده ای از اینکه عیسی چه کسی بود.

بنابراین، به عنوان مثال، وقتی به انجیل متی نگاه می کنیم، متوجه می شویم که متی عیسی را به روش های مختلفی به تصویر می کشد، مانند موسی جدید، کسی که مانند موسی اکنون برای نجات قوم خود آمده است. عیسی به عنوان یک معلم به تصویر کشیده شده است. عیسی به عنوان پسر خدا به تصویر کشیده شده است.

او به عنوان جد دیوید، نوادگان دیوید به تصویر کشیده شده است که حق دارد بر تخت داوود بنشیند و به عنوان پادشاه حکومت کند. اما نه تنها برای یهودیان بلکه برای غیریهودیان نیز. در انجیل متی تأکید مشخصی بر گنجاندن غیریهودیان وجود دارد.

عیسی به عنوان کسی به تصویر کشیده شده است که اوج و تحقق کل کتاب مقدس عهد عتیق است. مرقس عیسی را به عنوان تعادلی بین انسانیت و الوهیت خود به تصویر می کشد. او عیسی را به عنوان خدمتگزار رنج کشیده ای به تصویر می کشد که می آید تا از طرف قومش رنج بکشد و بمیرد.

لوقا عیسی را به عنوان نجات دهنده به تصویر می کشد. این یکی از اصطلاحات مشخصه لوقا است، توصیف عیسی به عنوان نجات دهنده، یا کاری که عیسی برای نجات قومش یا نجات انجام می دهد. لوقا همچنین عیسی را به عنوان پسر داوود به تصویر می کشد، همانطور که متی در تحقق عهد عتیق انجام می دهد.

عیسی همچنین در لوقا به عنوان کسی به تصویر کشیده شده است که نسبت به طردشدگان جامعه دلسوز است. کسانی که نامطلوب یا دست نخورده هستند که دیگران آنها را رد می کنند، عیسی می پذیرد. و سپس یوحنا می آید و عیسی را به روش های مختلفی به تصویر می کشد.

یوحنا تنها کسی از انجیل ها است که عیسی را به عنوان بره عید فصیح به تصویر می کشد. او بره خدا در تحقق بره عید فصیح عهد عتیق است. اکنون عیسی آن را انجام می دهد.

عیسی کلمه یا لوگوس است، همان وحی خدا. عیسی به وضوح به تصویر کشیده شده است، اگرچه من فکر می کنم هر چهار انجیل این کار را انجام می دهند، اما یوحنا به طور خاص و آشکار عیسی را به عنوان پسر خدا، به عنوان خود خدا به تصویر می کشد. عیسی بدون انکار انسانیت خود، به وضوح به عنوان یک شخصیت الهی، به عنوان خود خدا به تصویر کشیده شده است.

بنابراین، می توانید ببینید که انجیل ها روش های منحصر به فردی برای ارائه عیسی و به تصویر کشیدن او دارند، که اگر هیچ یک از این چهار مورد را نداشته باشیم، ما فقیر خواهیم شد. می توانید ببینید که چرا کلیسا آن چهار نفر را به حال خود رها کرد. ما کمی فقیر می شدیم و درک ما از عیسی کم می شد اگر این چهار دیدگاه مختلف و تأکیدات و مضامین متفاوت در مورد اینکه عیسی چه کسی بود را نداشتیم.

بنابراین، دوباره، این فقط یک یادآوری است، که قبل از اینکه خیلی سریع همه انجیل ها را با هم در زندگی مسیح ترکیب کنیم، صدای متمایز آنها باید شنیده شود تا آنجا که آنها می خواهند به طور منحصر به فرد در مورد عیسی بگویند، او کیست، چه کاری انجام می دهد و چه می گوید. با این حال، وقتی انجیل ها را با هم ترکیب می کنیم و آنها را کنار هم قرار می دهیم، وقتی به این چهار نفر با هم نگاه می کنید، برخی از ویژگی های منحصر به فردی که به نظر می رسد از هر چهار نفر پدیدار می شوند چیست؟ اگر هر چهار نفر را

جمع کنم، اگر بخواهم پرتره ای از عیسی بکشم، بر چه چیزی می توانم تأکید کنم که به نظر می رسد از انجیل ها پدیدار می شود؟ و دوباره، چیزهای زیادی وجود دارد، ما می توانیم همه اینها را در یک تصویر بزرگ کنار هم قرار دهیم، اما آیا چیزی ظاهر می شود، من به ویژه به چیزهایی فکر می کنم که ممکن است وسوسه شویم که نادیده بگیریم. آیا موضوعاتی وجود دارد که نویسندگان انجیل پدیدار شوند که بتوانیم آنها را نادیده بگیریم؟ حالا، یکی از موضوعاتی که به وضوح در چند مورد از آنها پدیدار می شود، الوهیت عیسی است، اما فکر نمی کنم اکثر ما این را زیر سوال ببریم.

فکر می کنم بیشتر ما در تصور انسانیت عیسی کمی مشکل بیشتری داریم. بنابراین این یک نقطه شروع است. اگر بخواهم پرتره ای از عیسی بکشم، اولین چیزی که بر آن تأکید می کنم انسانیت عیسی است، و آن اجتناب از عیسی مسیح است.

حالا، کلمه docetic این است که این کلمه در واقع از یک کلمه یونانی گرفته شده است، dokeo، که به معنای ظاهر شدن، فکر کردن، یا به نظر آمدن است. این کلمه docetic برای توصیف یک بدعت اولیه یا تعالیم نادرست در مورد مسیح استفاده می شد که در واقع می گفت، انسانیت کامل عیسی را انکار می کند. در آن نوشته شده بود که عیسی فقط به نظر می رسید که انسان است.

از این رو کلمه docetic است. باز هم، کلمه یونانی به معنای ظاهر شدن، و Docetism، یا دیدگاه docetic از عیسی، به این معنی است که عیسی فقط ظاهر شد یا به نظر می رسید که یک انسان است. بنابراین خیلی زود، و این بسیار جالب است، بسیاری از پدران کلیسای اولیه، وقتی شروع به فکر کردن در مورد عیسی کردند و آنچه را که فکر می کردند فرموله کردند، بسیار بسیار کمی از مردم الوهیت عیسی را انکار کردند.

بیشتر آنها، بسیاری از آنها، برخی از آنها انسانیت او را انکار می کردند، مانند تفکر گنوسی، و تفکر از نوع افلاطونی که بر معنوی بر فیزیکی تأکید دارد. اما دوباره، Docetism نام یک بدعت اولیه بود که می گفت عیسی فقط به نظر می رسید یا به نظر می رسد انسان است، اما او واقعا اینطور نبود. بنابراین، موافقت کرد که عیسی الوهیت است، او خدا است، اما انسانیت او را انکار کرد.

اما در انجیل ها است که انسانیت کامل عیسی را آشکار می کنیم. باز هم، لازم نیست لوقا فصل های 1، 2 و 3 را خیلی بخوانید تا عیسی را بخوانید و ببینید و با انسانیت کامل با او روبرو شوید. همانطور که گفتیم، لوقا تنها نویسنده ای است که درباره دوران کودکی عیسی چیزی می گوید.

و او آن عبارت جالب را در آنجا دارد، و عیسی در خرد و قد و قامت و مورد علاقه خدا و انسانها رشد کرد. منظورم این است که چگونه لوقا می تواند این را در مورد عیسی بگوید؟ اگر عیسی خدا است، چگونه باید رشد کند؟ با این حال لوقا به ما یادآوری می کند و عیسی را با انسانیت کامل خود آشکار می کند که عیسی باید در حکمت و درک رشد می کرد. بنابراین از یک طرف، عیسی خدای دانای مطلق است که همه چیز را می داند، اما در عین حال، او یک انسان نادان است که همه چیز را نمی داند و باید چیزهایی را یاد بگیرد.

بنابراین، او باید در خرد و قامت رشد کند و مورد لطف خدا و انسان ها قرار گیرد. بعدها، مواقعی در انجیل ها وجود دارد، که یک عبارت جالب وجود دارد که به خصوص فکر می کنم متی، مرقس و لوقا همگی دارند، جایی که عیسی می گوید، حتی پسر انسان هم نیست، حتی من نمی دانم که پسر انسان چه ساعتی باز خواهد گشت. عیسی با اشاره به زمانی که عیسی برای برپایی پادشاهی خود باز می گردد، می گوید، من حتی نمی دانم ساعت چند است.

فقط پدر ساعت، روز و ساعتی را که این اتفاق خواهد افتاد می داند. دیدیم که انجیل مرقس عیسی را به عنوان کسی که از طرف قومش رنج می برد و در حال مرگ است، به تصویر می کشد. و چیز جالب دیگری در لوک وجود دارد.

در انتهای انجیل، در باغ جتسیمانی، درست قبل از دستگیری عیسی به یاد می آورید، انجیل ها را می بینید که عیسی را به عنوان دعا با شاگردانش در باغ به تصویر می کشند، نه باغ عدن، بلکه باغ جتسیمانی، خارج از اورشلیم. و در حالی که او دعا می کند، طولی نمی کشد که نگهبانان می آیند و عیسی را دستگیر می کنند، او را به دادگاه می برند و او می میرد. در باغ، او به عنوان دعا کننده به تصویر کشیده شده است.

و جالب اینجاست که لوقا عیسی را به عنوان دعا چیزی شبیه به این تصویر می کند. او می گوید، ای پدر، لطفاً بگذار این جام از من بگذرد. و این بدان معناست که جام استعاره ای از رنج و مرگ عیسی است که او در شرف گرفتن آن است.

بنابراین جالب اینجاست که به نظر می رسد عیسی می گوید، پدر، اگر راه دیگری وجود دارد که بتوان این کار را انجام داد جز از طریق مرگ من، تو رأی من را داری. به عبارت دیگر، عیسی با وحشت در مواجهه با آنچه قرار است بیاید، یعنی مرگش پاسخ می دهد. این یک واکنش بسیار انسانی است.

با این حال، البته، سخنان بعدی عیسی است، اما اراده من نیست، این چیزی است که من دوست دارم اتفاق بیفتد، بلکه اراده تو، دعا کردن به پدر، و سپس عیسی به سمت صلیب می رود. اما در آن لحظه، لوقا عیسی را به عنوان یک واکنش و احساسات بسیار انسانی در مواجهه با مرگ به تصویر می کشد. بنابراین، انجیل ها عیسی را با انسانیت کامل خود به تصویر می کشند.

آنها از الوهیت عیسی عقب نشینی نمی کنند، اما انسانیت او را کاهش نمی دهند و او را با اصطلاحات کاملاً انسانی به تصویر نمی کشند. به همین دلیل است که بعداً در کتاب عبرانیان که بعداً در ترم در مورد آن صحبت خواهیم کرد، نویسنده، احتمالاً با تأمل در انجیل ها، می گوید، دلیل اینکه عیسی می تواند به عنوان کاهن اعظم ما عمل کند این است که او از هر نظر ما وسوسه شده است، اما او گناه نکرده است. به عبارت دیگر، نیاز به یک کاهن اعظم، توانایی درک و همدردی با مردمی بود که او نمایندگی می کرد.

و عیسی نمی توانست کاهن اعظم ما باشد اگر فقط خدا بود. او فقط می تواند کاهن اعظم ما باشد زیرا او خدا است، اما در عین حال، او کاملاً انسان است. او طیف کاملی از وسوسه های انسانی را تجربه کرده است.

به عنوان مثال، وقتی به آن فکر می کنید، آیا عیسی از نظر جنسی وسوسه شد؟ او احتمالاً بود، با این حال هرگز از آن مرز در فکر یا عمل بین وسوسه شدن و گناه کردن عبور نکرد. بنابراین، عیسی طیف کاملی از وسوسه های انسانی را تجربه می کرد. بنابراین، کل عهد جدید، به ویژه انجیل ها، از به تصویر کشیدن عیسی با انسانیت کامل خود به عنوان یک انسان عقب نشینی نمی کنند، در حالی که در عین حال او را به عنوان پسر خدا و الوهیت کامل او به تصویر می کشند.

بنابراین، دوباره، امروز ما بیشتر تمایل داریم که بر الوهیت عیسی تأکید کنیم، زیرا این احتمالاً جنبه ای از عیسی است که بسیاری از مردم تمایل دارند آن را رد کنند و او را فقط به عنوان یک انسان ببینند. اما در قرن اول، احتمالاً برعکس بود. تمایل بیشتری به انکار انسانیت عیسی وجود داشت.

از این رو نویسندگان کتاب مقدس بر انسانیت عیسی، انسانیت کامل او و همچنین الوهیت او تأکید می کنند. بنابراین، اولین بخش یا جنبه ای از پرتره عیسی انسانیت او خواهد بود و از عیسی متقلب اجتناب می

کند. قبل از اینکه ادامه دهیم، مثال دیگری که دوست دارم از آن استفاده کنم، فقط برای نشان دادن اینکه چگونه حتی Docetism ناخواسته به برخی از زیان های ما و حتی برخی از آهنگ هایی که در محیط های کلیسا می خوانیم رخنه کرده است.

من همیشه فکر می کنم، همیشه وقتی این را در زمان کریسمس می خوانم انقباض می کنم. دور در آخر، به آن قسمت می رسید، بدون گریه او چه کسی گفته عیسی گریه نکرد؟ او یک انسان بود.

مانند هر نوزاد انسانی دیگری، او گریه می کرد. این یک دیدگاه بسیار ناخوشایند از عیسی است، که او گریه نمی کرد. یا وقتی تصاویر خود را از عیسی نقاشی می کنیم که در آن می درخشد و هاله ای روی سرش دارد، مطمئناً اهمیت تولد عیسی را به تصویر می کشد، اما این واقعیت را پنهان می کند که او فقط یک انسان عادی بود.

و این فقط یک تولد طبیعی و بسیار فروتنانه انسانی بود که عیسی تجربه کرد. بنابراین، اجتناب از عیسی مسخره. جنبه دوم تصویر عیسی که می توانم بر آن تأکید کنم، شفقت عیسی نسبت به طردشدگان است.

اجتناب از عیسی محبوب. یعنی همانطور که دیدیم، به ویژه در مورد لوقا، اما انجیل های دیگر نیز اشاراتی به آن می دهند، عیسی کسی نیست که مورد پسند تشکیلات مذهبی و نخبگان قرار گیرد. عیسی کسی نیست که به سادگی از مردم پیروی کند.

اما عیسی مایل بود که جسورانه از نظر اجتماعی و اقتصادی از خطوط عبور کند و با کسانی که طرد شده اجتماعی بودند، کسانی که در حاشیه جامعه بودند، تماس فیزیکی و روابط داشته باشد. عیسی بارها و بارها شفقت خود را نشان داد، به ویژه برای طردشدگان جامعه. وقتی این محبوبیت نداشت، نخبگان مذهبی و تشکیلات هیچ ارتباطی با آن نداشتند.

و دوباره، ما در مورد لوقا دیدیم، این چیزی است که اغلب عیسی را به دردسر می انداخت. به خصوص زمانی که او را با قانون عهد عتیق در تضاد قرار داد. او قطعاً قرار نبود با این مردمی که شریعت موسی را نادیده می گرفتند معاشرت کند.

یا لمس فیزیکی آنها یا نزدیک شدن بیش از حد به آنها باعث نوعی نقض تشریفاتی می شود. اما عیسی کاملاً مایل بود که این کار را انجام دهد. بنابراین، اجتناب از یک عیسی محبوب.

تأکید بر عیسی که نه به نخبگان مذهبی و اجتماعی و مردمی، بلکه به کسانی که طرد شده و نامطلوب هستند، می رسد. تأکید سومی که من می خواهم ترسیم کنم، نگرانی عیسی برای مباشرت است. دوری از عیسی ثروتمند.

باز هم، هیچ چیز وجود ندارد، به خصوص در لوقا، اما هیچ چیزی در انجیل وجود ندارد که نشان دهد عیسی گفته است که ثروت گناه آلود یا اشتباه بوده است. اما مطمئناً، در انجیل ها، عیسی خطر اعتماد ما به دارایی های مادی و ثروت را به گونه ای به ما یادآوری می کند که اعتماد واقعی به شخص عیسی مسیح را تحت الشعاع، مبهم یا از بین ببرد. چیزی که عیسی واقعاً مخالف آن است، احتکار ثروت و اعتماد به ثروت است.

به همین دلیل است که عیسی در موعظه روی کوه چیزهایی می گوید، مانند گنجینه ای را روی زمین ذخیره نکنید که در آن پروانه و زنگ خورده است. باز هم، او نمی گوید که پول اشتباه است. او می گوید تنها مشکل این است که موقتی است.

می توان آن را نابود کرد. تنها هدف مناسب اعتماد شما به شخص عیسی مسیح است. و بنابراین، عیسی به ما یادآوری می کند که ثروت یک موضوع بسیار ناخوشایند اعتماد و اتکای شماست.

و انباشت ثروت یا اعتماد کردن به آن در ازای اعتماد به عیسی مسیح به سادگی از دست دادن کاری است که عیسی انجام می داد. و من تعجب می کنم، به ویژه در زمینه آمریکای شمالی، اگر نیازی به شنیدن دوباره این پیام نداشته باشیم. بسیاری از مسیحیان نیازی ندارند که به عقب برگردند و عیسی و آنچه او در مورد نگرش ما نسبت به ثروت و دارایی های مادی می گوید را بشنوند.

در نهایت، نگرانی برای جامعه. ما در تمام انجیل ها دیدیم که عیسی جامعه ای از شاگردان را دور خود جمع می کند. و این به این دلیل نیست که عیسی در گروه های کوچک و چیزهایی از این قبیل بود.

کاری که عیسی انجام می دهد آماده سازی هسته ای است که منجر به جامعه ای می شود که حول اطاعت و پرستش عیسی مسیح می چرخد. و جامعه ای که به گسترش و گسترش ادامه خواهد داد و در نهایت کل زمین را در بر خواهد گرفت. بنابراین، عیسی در تمام انجیل های خود برای جامعه ای از پیروان پیش بینی می کند که کاری را که عیسی شروع به انجام آن کرده است، ادامه دهند.

و جامعه ای که خود را با اطاعت از شخص عیسی مسیح شناسایی می کند. بنابراین، اجتناب از عیسی فردگرا. به هر حال، ما همچنین گفتیم، دوباره، دلیل اینکه عیسی گروه کوچکتری از شاگردان را انتخاب کرد و دلیل اینکه او 12 نفر از آنها را انتخاب کرد، فکر می کنم قبلاً این را مطرح کردیم، به چه دلیلی است؟ چرا عیسی 12 شاگرد را انتخاب کرد؟ منظورم این است که چرا نه، منظورم این است که 8 گروه کوچک خوبی بود یا شاید 15 کمی بهتر بود.

چرا 12؟ بله، 12 قبیله اسرائیل. به عبارت دیگر، این قوم جدید خدا، اسرائیل جدید است. بر اساس عیسی مسیح و رسولانش بنا شده است، نه بر اساس 12 قبیله اسرائیل و شریعت.

بنابراین اکنون کاری که عیسی با انتخاب 12 رسول انجام می دهد، تشکیل یک قوم جدید است، یک جامعه جدید که با ایمان به عیسی مسیح و اطاعت از او مشخص خواهد شد. و کاری را که خود عیسی آغاز کرد ادامه خواهد داد. بنابراین، دوباره، حداقل در انجیل ها، و فکر می کنم می توانم بقیه عهد جدید را نشان دهم، انجیل ها و بقیه عهد جدید چیزی به نام یک مسیحی که خارج از جامعه است نمی دانند.

یا یک مسیحی که به طور فردی فکر می کند که می تواند به تنهایی آن را انجام دهد. وجود نداشت. غیرقابل تصور بود که شما یکی از پیروان عیسی و یک مسیحی باشید و به یک جامعه تعلق نداشته باشید.

این کلیسای عیسی است، قوم خدا. بنابراین، یک بار دیگر، در جامعه ما که تمایل داریم برای فردگرایی و آرزوهای خود ارزش قائل شویم، شاید دوباره، باید پیام عیسی را بشنویم که گاهی اوقات ضد فرهنگی است. به ما یادآوری می کند که چقدر به جامعه ای از قوم خدا نیاز داریم.

و چقدر قصد خدا این است که ما به عنوان یک مسیحیان زندگی نکنیم، بلکه در یک جامعه زندگی می کنیم، این قوم جدید خدا که عیسی آن را تأسیس و آفریده است و حول پاسخ به او در ایمان می چرخد. به یاد داشته باشید که ما در عهد عتیق گفتیم، اکثر یهودیان قوم خدا را بر اساس چه چیزی تعریف می کردند؟ چه نشانه یا نشانه ای متمایز از اینکه شما به قوم خدا، به جامعه قوم خدا تعلق دارید، چه می توانست؟ نشانگرهای هویتی که نشان می دهد شما واقعا به این جامعه تعلق دارید، قوم خدا، قوم عهد عتیق خدا چه

می توانستند باشند؟ آنها روی چه چیزی تمرکز می کردند؟ Yep؟ چگونه پرستش می کردند. بسیار خوب، و آنها به خصوص چگونه عبادت می کردند؟ در عهد عتیق، این چگونه به نظر می رسید؟ قربانی های معبد.

قربانی های معبد، اطاعت از قانون. بنابراین این می توانست نشانه اصلی باشد، که شما از شریعت موسی اطاعت می کردید، قربانی های معبد را تقدیم می کردید، که حتی فراتر از آن، از نظر قومی، یهودی بودید. باز هم، یکی از مسائل بزرگ این است که در عهد جدید، فرزندان واقعی ابراهیم چه کسانی هستند؟ آیا آنها کسانی هستند که از نظر جسمی از نسل ابراهیم هستند، یا آیا غیریهودیان می توانند پسران ابراهیم نیز باشند؟ اینجاست، دوباره، اینجاست که عیسی وارد می شود، و او جامعه قوم خدا، کلیسا را دوباره تعریف می کند.

و به هر حال، کلمه کلیسا، ما به نوعی از آن یک اصطلاح فنی ساخته ایم، اما کلمه کلیسا، کلمه یونانی، در واقع در عهد عتیق یونانی برای اشاره به ملت اسرائیل، مجمع قوم خدا استفاده شده است. بنابراین، با استفاده از کلمه کلیسا، متی و پولس، آنها از اصطلاح جدیدی استفاده نمی کنند، آنها از اصطلاحی استفاده می کنند که از عهد عتیق برای اشاره به اسرائیل وام گرفته اند. و دوباره، کاری که عیسی انجام می دهد این است که می گوید، اکنون کلیسای حقیقی، مجمع حقیقی، قوم واقعی خدا دیگر بر اطاعت از شریعت و قربانی های معبد و یهودی بودن از نظر قومی متمرکز نیست، بلکه اکنون صرفاً با پاسخ فرد به عیسی مسیح تعیین می شود.

و به همین دلیل است که غیریهودیان نیز می توانند در آن گنجانده شوند. اگر عامل تعیین کننده اطاعت از شریعت و یهودی شدن از نظر قومی نباشد، پس غیریهودیان می توانند به همان اندازه که اسرائیل انجام می دهد، با پاسخ دادن با ایمان و اطاعت از عیسی مسیح، قوم خدا شوند. بنابراین توجه به جامعه در انجیل ها، اجتناب از عیسی فردگرا.

دوباره، عیسی، در تمام انجیل ها، برای گروهی از پیروان آماده می شود که در جامعه، به یک معنا، نمایندگان او خواهند بود و به مأموریت او ادامه خواهند داد، و با ایمان و اطاعت از عیسی مسیح پاسخ خواهند داد. بسیار خوب، احتمالاً چیزهای دیگری وجود دارد که می توانید به آنها فکر کنید. چند سال پیش یکی از افراد در یکی از کلاس های من نگرانی برای فیض را پیشنهاد کرد و از عیسی شریعت گرا دوری کرد.

یعنی عیسی فقط برای آموزش یک قانون جدید نیامده است. در حالی که او به درخواست پیروان خود رسید، وسایل برآورده کردن خواسته های خود را نیز فراهم کرد. عیسی به تصویر کشیده می شود که با مهربانی وارد یک رابطه می شود و با مهربانی آنچه را که از قوم خود می خواهد فراهم می کند.

موعظه روی کوه را به خاطر دارید؟ کسانی که از نظر روحی فقیر هستند، ورشکستگی خود را تشخیص می دهند، گرسنگی و تشنگی عدالت دارند، سیر خواهند شد. خدا آنها را با آن عدالت پر خواهد کرد. بنابراین این می تواند پنجمین مورد باشد، که نگرانی یا تأکید بر فیض خدا است و از عیسی شریعت گرا اجتناب می کند.

عیسی فقط نیامد تا یک قانون جدید یا وسیله ای برای به دست آوردن راه نجات بدهد، بلکه با مهربانی نجات را پیشنهاد کرد و با مهربانی برای قومش فراهم کرد تا در اطاعت از او پیروی کنند. بسیار خوب، در مورد هر یک از این چهار سوال دارید؟ احتمالاً می توانید به دیگران فکر کنید. چه چیز؟ کدامیک؟ یکی که من به تازگی نقل کردم.

من سعی می کنم فکر کنم. این متی فصل 5 بود. بله، متی فصل 5، و فکر می کنم آیه 12 در سعادت بود. بله.

بسیار خوب. خوب، بگذارید کتاب بعدی را به شما معرفی کنم. و اکنون، به یک معنا، ما به بخش جدیدی از عهد جدید می رویم که به یک معنا، از برخی جهات، به تنهایی پابرجا است.

از نظر روایی بسیار شبیه انجیل است، اما از این نظر که بر روی هیچ فردی تمرکز نمی کند، برخلاف انجیل است. این بر روی تعدادی از افراد تمرکز دارد و بر سوء استفاده های یک نفر در یک موقعیت جغرافیایی محدود متمرکز نیست. اما باز هم، توزیع جغرافیایی آن بسیار گسترده تر است.

در نهایت کل دنیای یونانی-رومی را در بر می گیرد. بنابراین اعمال رسولان از این نظر کمی متفاوت است. اما داستان کلیسای اولیه، کتاب اعمال رسولان.

اولین سوالی که باید پرسید این است که اعمال رسولان در اینجا چه می کند؟ چگونه موقعیت آن را در عهد جدید درک کنیم؟ و ما قبلاً در مورد این واقعیت صحبت کردیم که عهد جدید بر اساس گاهشماری مرتب نشده است، اما منطقی تر و موضوعی تر است. بنابراین، کتاب اعمال رسولان در واقع مکان بسیار طبیعی در عهد جدید دارد. این به طور طبیعی از انجیل ها پیروی می کند و به طور طبیعی و منطقی برای رساله ها، بقیه عهد جدید، به ویژه رساله های پولس آماده می شود.

و دلیل آن این است. کتاب اعمال رسولان به طور طبیعی از انجیل پیروی می کند زیرا آنچه را که عیسی در انجیل ها شروع به انجام آن کرد و اینکه چگونه این کار اکنون از طریق پیروانش ادامه دارد را ثبت می کند. بنابراین، ما لحظاتی پیش در مورد عیسی صحبت کردیم که گروهی از شاگردان را دور خود جمع کرد که هسته ای برای این قوم فرافرهنگی خدا که ما آن را کلیسا می نامیم، تشکیل دهند.

بنابراین، انجیل ها برای آن آماده می شوند. اما کاری که اعمال رسولان انجام می دهد این است که نشان می دهد چگونه کار عیسی بر روی زمین آغاز شد، اکنون از طریق این گروه از پیروان ادامه می یابد که اکنون، در غیاب عیسی پس از مرگ و رستاخیز و صعود به آسمان، نشان می دهد که چگونه آن کار از طریق عیسی آغاز شد و از طریق پیروانش، شاگردانش ادامه یافت. سپس اعمال رسولان پلی برای بقیه عهد جدید فراهم می کند زیرا برخی از این پیروان شخصیت های اصلی می شوند، باز هم اعمال رسولان حول یک شخصیت اصلی، عیسی مسیح متمرکز نیست، بلکه حول تعدادی از شخصیت های کلیدی متمرکز است، اما حروف در بقیه عهد جدید نامه هایی هستند که از قلم برخی از این شخصیت های کلیدی می آیند.

خب، ما نامه های اول و دوم پطرس را داریم، نامه هایی از یوحنا داریم، و جالب اینجاست که شخصیت غالب در اعمال رسولان، شخصی که در بسیاری از اوقات، به ویژه در نیمه دوم کتاب، در مرکز صحنه قرار می گیرد، فردی به نام پولس رسول است. و بنابراین، طبیعی است که درست پس از اعمال رسولان، بزرگترین گروه نوشته ها در بقیه عهد جدید از قلم پولس می آیند زیرا او یکی از چهره های غالب در کتاب اعمال رسولان است. بنابراین دوباره، اعمال رسولان پلی کامل بین انجیل ها و بقیه عهد جدید در ادامه جایی که انجیل ها متوقف شدند، در نشان دادن اینکه چگونه خدمت عیسی از طریق پیروانش ادامه می یابد، اما سپس با معرفی افرادی که در نهایت نویسندگان بسیاری از نامه هایی هستند که بقیه عهد جدید را تشکیل می دهند، پلی برای بقیه عهد جدید فراهم می کند.

رابطه اعمال رسولان با لوقا چیست؟ ما قبلاً در مورد آن صحبت کردیم وقتی در مورد لوک صحبت کردیم. اعمال رسولان بخش دوم یک اثر دو جلدی بود، اعمال لوقا، اما باز هم به دلایلی که توضیح دادیم، زمانی که عهد جدید به یک قانون تبدیل شد، کتاب های لوقا و اعمال رسولان از هم جدا شدند. لوقا با کتاب های دیگری که شبیه آن بود، انجیل ها، متی، مرقس و یوحنا رفت، و سپس اعمال رسولان جدا شد زیرا انتقال مفیدی بین انجیل ها و بقیه عهد جدید فراهم می کرد.

اعمال در واقع یک برنامه نسبتاً آسان دارد، به یک معنا، تا آنجا که چگونه توسعه می یابد. ممکن است راه های مختلفی برای ترسیم یا شکستن کتاب اعمال رسولان وجود داشته باشد، اما یک راه آسان که به نظر می رسد با آنچه نویسنده قصد دارد مطابقت داشته باشد، در همان فصل اول و آیه 8 یافت می شود. حالا، در چند آیه اول اعمال رسولان، عیسی مسیح... دوباره، در پایان لوقا، عیسی می میرد، او از مردگان برمی خیزد و به پیروانش ظاهر می شود. در اعمال رسولان فصل 1، عیسی هنوز به آسمان صعود نکرده است.

او هنوز در ابتدای اعمال رسولان به شاگردانش آموزش می دهد. بنابراین، همانطور که گفتم، می توانید اعمال رسولان و لوقا را ببینید، به این دلیل که آنها در اصل یک اثر دو جلدی بودند. بنابراین، با کتاب اعمال رسولان، عیسی هنوز روی زمین است و به شاگردانش آموزش می دهد، و طولی نخواهد کشید که او به آسمان صعود می کند، و سپس این به پیروانش بستگی دارد که کاری را که عیسی آغاز کرده بود ادامه دهند.

اما بخشی از دستورات عیسی به پیروانش، شاگردانش قبل از عزیمت او، در اعمال رسولان فصل 1 و آیه 8 یافت می شود. و به یک معنا، این آیه به نوعی به صورت خلاصه، رئوس مطالبی از اینکه کتاب اعمال رسولان به کجا می رود، ارائه می دهد. بنابراین، عیسی به شاگردانش می گوید، اما هنگامی که روح القدس بر شما آمده است، قدرت دریافت خواهید کرد، و شما شاهدان من در اورشلیم، در تمام یهودیه و سامره و تا اقصی نقاط زمین خواهید بود. حالا قبل از اینکه ببینیم چگونه با آن مطابقت دارد، مهمترین چیزی که باید بدانیم این است که این فقط یک استراتژی میسیونری خوب نیست.

اگر توجه کنید، در دایره های متحدالمرکز حرکت می کند. از اورشلیم، یهودیه، سامره شروع می شود، که درست در شمال است، و سپس انتهای زمین، بیرونی ترین قسمت های زمین. این فقط عیسی نیست که یک استراتژیست میسیونر خوب است، که شما باید از پایگاه اصلی خود شروع کنید و سپس به سمت بیرون حرکت کنید، اگرچه ممکن است درست باشد.

اما چیزی که شما باید در مورد این آیه بدانید این است که من فکر می کنم دلیل کنار هم قرار دادن آن این است که بازتاب مستقیم برنامه اشعیا نبی برای چگونگی بازگرداندن قوم خود توسط خدا است. و جالب اینجاست که اگر به کتاب اشعیا برگردید، مژده ای را تصور می کند که از اورشلیم پخش می شود و به انتهای زمین ختم می شود. بنابراین، این فقط عیسی نیست که دوباره می گوید، هی، من یک استراتژی خوب برای انتشار مژده دارم.

اما در عوض، آنچه عیسی انجام می دهد این است که با انتشار مژده، وعده تحقق اشعیا، یا وعده اشعیا برای احیا و نجات اکنون شروع به تحقق کرده است. بنابراین دوباره، اعمال رسولان به عهد عتیق باز می گردد تا نشان دهد که عیسی و اکنون پیروانش در حال تحقق همه این پیشگویی ها، وعده ها و انتظارات عهد عتیق هستند. بنابراین، برای مثال، اگر به یادداشت های خود نگاه کنید، یادداشت های من در صفحه 23 در بالا است، من آن عبارات را در اعمال رسولان 1: 8 جدا کرده ام. بنابراین، هنگامی که روح القدس بر شما نازل شود، و سپس شما تا اقصی نقاط جهان شاهد من خواهید بود.

این عبارات درست از کتاب اشعیا بیرون آمده است. به عنوان مثال، این در فصل 32 و آیه 15 آمده است، جایی که اعمال رسولان می گوید، وقتی روح القدس بر شما نازل می شود. باز هم، فصل 32 به روزی اشاره می کند که خدا بازمی گردد و قوم خود را احیا می کند، آنها را به اورشلیم باز می گرداند، آنها اکنون در تبعید هستند، آنها را به اورشلیم باز می گرداند، و اکنون آیه 15 می گوید تا روح از بالا بر ما ریخته شود.

و بیابان یک میدان پر بار می شود، و مزرعه پر بار به عنوان یک جنگل در نظر گرفته. به این عبارت توجه کنید، این از اشعیا 32.15 است تا زمانی که روح از بالا بر ما ریخته شود. و حالا لوقا می گوید وقتی روح القدس بر شما نازل می شود.

حالا به این عبارت بعدی توجه کنید، شما شاهد من خواهید بود. دوباره، در اشعیا فصل 43، این اشعیا نبی است که در مورد روزی صحبت می کند که خدا برای بازگرداندن قوم خود باز خواهد گشت. فصل 43 و 10 و 12، به این گوش دهید، شما شاهدان من هستید، او با اسرائیل صحبت می کند، خداوند می گوید، شما شاهدان من هستید، و بنده من که من انتخاب کرده ام.

خداوند می فرماید: آیه 12، من اعلام کردم و نجات دادم و اعلام کردم، زمانی که خدای عجیبی در میان شما نبود، و شما شاهدان من هستید. دوباره، خدا اسرائیل را خطاب قرار می دهد، و اکنون عیسی خطاب به این اسرائیل جدید، این قوم جدید خدا، با شاگردانش شروع می کند، و به آنها می گوید که شما شاهدان من هستید، در تحقق کتاب اشعیا. وعده اشعیا برای احیا، روزی که خدا قوم خود را احیا می کند، خلقت جدیدی را به ارمغان می آورد و از طریق یک مسیح موعود نجات را برای آنها به ارمغان می آورد، به این صورت عمل می کند که اکنون در حال وقوع است.

اما نه در ملت فیزیکی اسرائیل، بلکه در این قوم جدیدی که عیسی اکنون تأسیس کرده است. بنابراین آنها هستند، روح القدس در تحقق اشعیا 32 بر آنها خواهد آمد، آنها شاهد او در تحقق اشعیا 43 خواهند بود، و سپس یک شاهد دیگر. به ترتیب توجه کنید، ترتیب در اعمال حتی در سراسر کتاب اشعیا یکسان است.

فصل 49، هنگامی که عیسی به شاگردان می گوید، شما شاهد من در اقصی نقاط زمین خواهید بود، اشعیا فصل 49 و آیه 6، اکنون به این گوش دهید. دوباره، این خدا است که از طریق اشعیا پیامبر به اسرائیل صحبت می کند، در حالی که آنها در تبعید هستند، او قول می دهد که روزی آنها از تبعید باز خواهند گشت، و خدا آنها را به عنوان قوم خود بازگرداند، برای آنها نجات به ارمغان می آورد، و این چیزی است که او می گوید. او می گوید این بسیار سبک است که شما باید بنده من باشید، تا اسباط یعقوب را برخیزانید و بازماندگان اسرائیل را احیا کنید.

من شما را به عنوان نوری برای امتها خواهم داد، بنابراین اسرائیل باید نوری برای امتها باشد، تا نجات من به اقصی نقاط زمین برسد. این دقیقا همان عبارتی است که در اعمال رسولان فصل 1 آیه 8 می یابید. پس باز هم عیسی مسیح چه می کند؟ او اساسا به شاگردانش می گوید که آنها باید برنامه احیای را که در کتاب اشعیا پیش بینی و پیشگویی شده بود، به انجام برسانند. آنچه اسرائیل باید انجام می داد که روح القدس بر اسرائیل ریخته می شد، آنها باید قوم او می شدند، آنها باید شاهد او می شدند، آنها باید نجات را به اقصی نقاط زمین گسترش می دادند، اکنون مثل این است که عیسی می گوید، اکنون که ردای به شاگردان عیسی منتقل می شود، به این اسرائیل جدید، این کلیسای جدید، این جامعه جدید قوم خدا، که به شکل هسته ای در شاگردان است، و این دقیقا همان چیزی است که قرار است در بقیه کتاب اعمال رسولان اتفاق بیفتد.

بنابراین دوباره، بسیار مهم است که ما یاد بگیریم عهد جدید عتیق را با یک گوش در عهد عتیق بخوانیم. دوباره، همانطور که گفتم، این فقط یک استراتژی میسیونری خوب نیست که عیسی به آن فکر کرد، که فکر می کرد کار می کند، او نشان می دهد که آنچه در اعمال رسولان 2 می گذرد چیزی کمتر از تحقق آنچه اشعیا در عهد عتیق وعده داده بود، نیست. و اکنون این اتفاق می افتد، نه در ملت اسرائیل، بلکه اکنون در این جامعه جدید، این مجمع جدید، این قوم جدید خدا، که اکنون حول عیسی می چرخد و متمرکز است.

بسیار خوب، فکر می کنم به همین جا بسنده کنیم. و هفته آینده به صحبت در مورد اعمال رسولان ادامه خواهیم داد، اما بیایید کمی در مورد امتحان صحبت کنیم. و من چند چیز می گویم.

من فقط می‌خواهم کمی در مورد اینکه چگونه قرار است به نظر برسد صحبت کنم و سپس چیزی در مورد نحوه مطالعه برای آن بگویم و سپس به شما فرصتی بدهم که سؤال پرسید. امتحان همه چند گزینه ای است. من از امتحانات چند گزینه ای متنفرم، اما برای کلاسی به این بزرگی، اگر به شما یک آزمون انشا بدهم، تا کریسمس آینده تلاش می‌کردم تا به آنها نمره بدهم.

بنابراین کلاسی به این اندازه متأسفانه من را تا حدی مجبور می‌کند که یک آزمون نوع چند گزینه ای ارائه دهم. بنابراین این ماهیت آزمون است. همه باید بتوانند آن را در عرض یک ساعت به پایان برسانند.

برخی از شما ممکن است در 20 دقیقه تمام شود. برخی از شما ممکن است کل بخش را بگیرید. اشکالی ندارد.

هر کاری که باید انجام دهید. باز هم، امتحان فقط مطالب پس زمینه و مطالب انجیل را پوشش می‌دهد. هر چیزی که امروز در مورد اعمال رسولان گفتم در امتحان نخواهد بود.

شما مسئول آن نیستید. این اطلاعات در امتحان بعدی ظاهر می‌شود. بنابراین، تمام مطالب پس زمینه از روز اول تا انجیل‌ها، این اطلاعاتی است که در امتحان خواهد بود.

یکی از کارهایی که سعی می‌کنم در امتحان انجام دهم این است که سعی می‌کنم شما را وادار کنم که انجیل‌ها را مقایسه و مقایسه کنید. من از شما سوالاتی می‌پرسم که تلاشی برای مقایسه و مقایسه انجیل‌ها تا آنجا که چه چیزی در مورد چه چیزی منحصر به فرد است، است. بنابراین، من از شما سوالاتی در مورد چیست می‌پرسم، ممکن است از شما بپرسم که کدام انجیل عیسی را به عنوان موسی جدید به تصویر می‌کشد و امیدوارم که به متی پاسخ دهید.

برخی از شما می‌خواهید آن را درست انجام دهید. چیزهایی از این قبیل که من به سادگی سعی می‌کنم شما را به مقایسه وادار کنم. سوالات زیادی در رابطه با تأکیدات و مضامین اصلی در سراسر انجیل‌ها وجود دارد.

باز هم، من از شما آیات خاصی یا چیزی شبیه به آن نمی‌خواهم. من بیشتر علاقه مند به تمرکز بر انجیل‌ها به عنوان یک کل هستم. اما شما باید از تأکیدات اصلی، مضامین اصلی، متون اصلی آگاه باشید.

هر زمان که ما در مورد قسمت‌های خاصی در رابطه با انجیل‌ها صحبت می‌کنیم، در یوحنا به تعدادی از قسمت‌هایی مانند سخنرانی خداحافظی یا زن پشت چاه اشاره می‌کنیم و فقط محتوای آن قسمت‌ها و هر چیزی را که در مورد آن متون گفته ایم می‌دانیم. ما کمی در مورد پایان مرقس صحبت کردیم. آن مرقس، آیا در آیه 8 به پایان رسید یا پایان طولانی‌تری داشت؟ بنابراین هر زمان که در مورد هر یک از قسمت‌های متمایز صحبت می‌کنیم، فقط بتوانید به من بگویید که در آن قسمت‌ها چه چیزی وجود دارد.

یک کاری که ممکن است انجام دهید، من یک سال کسی را داشتم که این کار را انجام داد و آنها آن را به من نشان دادند و این کار را برای هر چهار امتحان انجام دادند. آیا آنها یک نمودار را کنار هم قرار داده‌اند و روی یک صفحه پوستر بزرگ در یک طرف نمودار در ستون سمت چپ، چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا را داشتند. و سپس آنها یک سری ستون داشتند که از بالای آن عبور می‌کردند.

یک ستون گفت نویسنده، یکی گفت ساختار، یکی گفت گذرگاه‌های کلیدی، پاساژهای اصلی. ستون دیگری دیدگاه اصلی عیسی را می‌گفت و ستون دیگری تأکید اصلی را می‌گفت. برای هر انجیل، او در هر یک از آن مربع‌ها خلاصه می‌کرد، اطلاعات را از یادداشت‌های شما بیرون می‌آورد و در آن مربع‌ها قرار می‌داد.

در یک نگاه، او می توانست به هر چهار انجیل نگاه کند و تفاوت آنها را با هم مقایسه و مقایسه کند. و دوباره، او در واقع این کار را برای هر امتحان انجام می داد. بنابراین، ممکن است به این فکر کنید که این کار را انجام دهید، اطلاعات را از یادداشت ها بیرون بیاورید و نوعی نمودار بسازید که در آن بتوانید به صورت بصری همه انجیل ها را به یکباره ببینید و ببینید که چگونه مقایسه و تضاد دارند، بر چه موضوعاتی تأکید می کنند، و چیزهایی از این قبیل.

باز هم، با تاریخ، بخش تاریخ این است که باز هم از افراد اصلی، رویدادهای اصلی تا آنجا که از نظر سیاسی، مذهبی و برخی از روندهای اصلی فرهنگی آگاه هستند، آگاه باشید. ما در مورد دو یا سه مورد از آنها صحبت کردیم. حالا، اگر می خواهید همه اینها را بنویسید، من یک کلید مطالعه روی تخته سیاه دارم، یک راهنمای مطالعه برای امتحان شماره یک.

بنابراین، اگر به همان مکانی بروید که برنامه درسی در آن قرار دارد و یادداشت های این کلاس در مورد محتوا، اگر به آنجا بروید، یک راهنمای مطالعه برای امتحان شماره یک پیدا خواهید کرد. و فکر می کنم همه چیز را لمس می کنم. اگر بتوانید به همه آنها پاسخ دهید، اگر بتوانید به همه این سوالات پاسخ دهید، همه باید 100 امتیاز دریافت کنند.

زیرا، دوباره، امتحان از خواندن کتاب درسی شما نیست. این صرفاً منعکس کننده بحث کلاس درس ما و دفترچه ای است که قرار است بردارید. اما، دوباره، یک راهنمای مطالعه وجود دارد.

ممکن است بخواهید به آن نگاه کنید. اگر سؤالات دیگری دارید، لطفاً اگر در مورد چیزی در امتحان یا چیزی در راهنمای مطالعه سؤالی دارید، به من ایمیل بزنید. اما آیا سؤالی در مورد امتحان به طور کلی یا هر چیز خاصی در یادداشت های شما، هر چیزی مربوط به پیشینه یا انجیل هایی است که در مورد آن تعجب می کنید؟ بله.

شما در آن نمودار گفتید. و سپس موضوعات کلیدی. تعدادی از موضوعات کلیدی وجود دارد که لزوماً بیشتر بر این متمرکز نبودند که عیسی چه کسی بود.

اما من فکر می کنم در بیشتر انجیل ها ما در مورد تأکیدات اصلی صحبت کردیم، یعنی نحوه به تصویر کشیدن عیسی، اما سایر موضوعات منحصر به فرد یا کلیدی انجیل ها. Yep. همچنین، برای تاریخ، شما گفتید افراد، رویدادها، رویدادهای فرهنگی.

بله، افراد، رویدادها، جنبش های مذهبی. به یاد داشته باشید که ما در مورد جنبش های مذهبی یونانی-رومی و یهودی مانند جنبش های یهودی، اسنی ها و فریسیان صحبت کردیم. بتوانید به من بگویید که آنها چه فکر می کنند یا بر چه چیزی تأکید می کنند و چگونه واکنش نشان می دهند، به ویژه به حکومت روم.

ما کمی در مورد جامعه قمران و طومارهای دریای مرده صحبت کردیم. و ما کمی در مورد قانون صحبت کردیم، معیارهایی که باید کتابی برای ورود به قانون عهد جدید در نظر گرفته شود، از این قبیل چیزها چه بود. باز هم، همه اینها در Blackboard در راهنمای مطالعه نوشته شده است.

بنابراین، من شما را تشویق می کنم که راهنمای مطالعه را دانلود کنید. بسیار خوب. مطمئن.

آیا می خواهید تاریخ رویدادهای مختلف تاریخی را بخواهید؟ نه، من قصد ندارم تاریخ بخواهم. احتمالا به این دلیل که من خودم در حال حاضر نمی توانم واقعا دقیق باشم. بله، من قصد ندارم تاریخ خاصی بخواهم.

حدس می زنم می توانستم. حداقل برای من، اینها چیزهایی هستند که ابتدا فراموش می کنم. من ترجیح می دهم شما معنی و ایده اصلی پشت آن رویدادها را درک کنید.

تا زمانی که شما به نوعی احساس کنید که این اتفاق قبل از مسیح یا در زمان تولد او یا چیزی شبیه به آن رخ داده است، این نکته اصلی است. چند تاریخ وجود دارد که بعدا باید آنها را بدانید، بنابراین اینطور نیست که هرگز از شما در مورد تاریخ ها بپرسم. اما برای هدف از این امتحان، واقعا هیچ تاریخی وجود ندارد که باید بدانید.

در مورد تاریخ انجیل ها چطور؟ تاریخ انجیل ها؟ نه، حتی فکر نمی کنم در مورد آن صحبت کرده باشم. فکر می کنم این سوال را در برخی از آزمون های شما پرسیدم زیرا در کتاب درسی شما بود، اما قصد ندارم تاریخ های خاصی از شما بپرسم. احتمالا باید بدانید که اکثر محققان فکر می کنند آنها به چه ترتیبی نوشته شده اند، اما من از شما نمی پرسم که دقیقا چه تاریخی است.

برخی از افراد در ارائه تاریخ دقیق مردد هستند. گاهی اوقات آنها حدود 10 ساله، 60 تا 70 پس از میلاد یا 70 تا 80 پس از میلاد می دهند. بنابراین من از شما تاریخ خاصی نمی پرسم. تا زمانی که همه چیزهایی را که در قرن اول تاکنون اتفاق افتاده است بدانید، احتمالا به اندازه کافی نزدیک است.

بنابراین، آیا باید خواندن هفته آینده را تا چهارشنبه انجام دهیم؟ بله، خواندن هفته آینده، می توانید این کار را برای چهارشنبه انجام دهید. این سوال خوبی است. بنابراین، خواندن کتاب درسی، خوب است.

شما می توانید این کار را تا چهارشنبه انجام دهید زیرا در روز دوشنبه، به محض اینکه امتحان خود را تمام کردید، آزاد هستید. ما اصلا در مورد اعمال رسولان صحبت نمی کنیم.

این دوره تاریخ و ادبیات عهد جدید دکتر دیو متیوسون است، سخنرانی ۱۲، خلاصه ای از مضامین انجیل و مقدمه ای بر اعمال رسولان.